پرسه در شهر

پس از پایان جشنواره تئاتر فجر
نمایش‌های بهمنی

● گروه هنر: با پایان‌یافتن جشنواره تئاتر فجر، دوباره تالارهای نمایشی فعال شده‌اند و برخی از آنها نمایش‌های تازه‌ای را در برنامه اجرای همگانی‌شان قرار داده‌اند و در این میان می‌توان به نمایش‌های ناگهان همه برمی‌خیزند به آوازی دیگر، سیم و سرمه، مینی‌مالیست‌ها، دریازدگی، هجده و در مه بخوان اشاره کرد.

ناگهان...

نرگس آبیار، کارگردان موفق سینمای ایران، چراغ نمایش «ناگهان همه برمی‌خیزند به آوازی دیگر» به کارگردانی سعیده آجربندیان را چهارشنبه، ۱۱ بهمن، در تماشاخانه ارغنون روشن کرد. آیین افتتاحیه نمایش «ناگهان همه برمی‌خیزند به آوازی دیگر» به نویسندگی و کارگردانی سعیده آجربندیان دیروز، چهارشنبه، ۱۱ بهمن ۱۳۹۶ با حضور نرگس آبیار، کارگردان موفق سینمای ایران و با حضور جمعی از هنرمندان، اصحاب رسانه و علاقه‌مندان به هنر تئاتر و سینما در تماشاخانه ارغنون عمارت نوفل‌لوشاتو برگزار شد.

نمایش «ناگهان همه برمی‌خیزند به آوازی دیگر» داستان مردی را روایت می‌کند که با صورتی سوخته وارد حمامی زنانه می‌شود و قصه‌اش با زندگی پیرزنی که در آنجا سکونت دارد، درمی‌آمیزد... . در این نمایش که بر مبنای رئالیسم جادویی شکل گرفته، فاطمه سرلک، پرستو آل‌رسول، ناصر عاشوری، پیمان محسنی و زهرا پرهون بازی می‌کنند. این نمایش پیش از این دو اجرای موفق در سی‌وششمین جشنواره تئاتر فجر داشت و اجراهای عمومی خود را در تماشاخانه ارغنون آغاز کرده و تا سی‌ام بهمن‌ماه در این تماشاخانه روی صحنه خواهد ماند. نمایش «ناگهان همه برمی‌خیزند به آوازی دیگر» هر روز به‌جز شنبه‌ها ساعت ۱۹:۳۰ با مدت‌زمان ۶۰ دقیقه در سالن شماره یک تماشاخانه ارغنون به صحنه می‌رود. نشانی تماشاخانه ارغنون تهران، خیابان نوفل‌لوشاتو، بین خیابان رازی و آراکلیان، کوچه زیبا، عمارت نوفل‌لوشاتو است.

سیم‌وسرمه

نمایش «سیم و سرمه» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی روزبه حسینی، از دوازدهم بهمن‌ماه، به مدت ۱۵ شب در خانه نمایش دا روی صحنه می‌رود. این اثر که با شرکت در سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اجرای خود را آغاز کرد، پس از اتمام برگزاری جشنواره، اجرای عمومی خود را از دوازدهم بهمن‌ماه آغاز می‌کند.

نمایش «سیم و سرمه» روایتی تودرتو و موسیقایی از قصه‌ای عاشقانه را در یک سیر زمانی از دوران پهلوی اول تا امروز روایت می‌کند که برای ما از عشق و عاشقی می‌گوید و از سیاه و مطربی. پیش از این قرار بود این نمایش دوشنبه، ۱۸ دی، اجرای خود را در «خانه نمایش دا» آغاز کند که اجرای عمومی آن بنا به دلایلی به نیمه دوم بهمن‌ماه موکول شد. در این نمایش، میثم غنی‌زاده و سیما شُکری به ایفای نقش می‌پردازند. در «سیم و سرمه» موسیقی نقشی اساسی دارد و در آن آهنگ‌ساز و وکالیست، آیدا روزبهانه، نوازنده گیتار و وکالیست، رامین رضاپور و آرش فصیح با روزبه حسینی همکاری می‌کنند.

مینی‌مالیست‌ها

نمایش مینی‌مالیست‌ها با طراحی و کارگردانی حمید عبدالحسینی از نیمه بهمن ماه در تالار ناصرخسرو روی صحنه خواهد رفت. در این نمایش که به قلم محمدمهدی هوشیار نگاشته شده، بازیگرانی همچون امید اولیایی، پدرام بوساک، میترا پوررمضان، میثم پیرمحمدی، رسول تجلی، نانت تومه، ملیکا حسینی، علی شیبانی، شهاب ذوقی، ملیکا طاهری، فرزانه قاسم‌زاده، مسعود قره‌باغی، افشین کامیاب‌فرد، دانیال کردبچه، فائزه محمدنجار، میلاد مقدم و مهشید همتی به ایفای نقش می‌پردازند. در خلاصه نمایش مینی‌مالیست‌ها آمده است: جهان در هفت روز به‌هم‌پیوسته و مرتبط خلق شد و می‌تواند در هشت روز از یکدیگر بپاشد.

علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت آن به شکل اینترنتی به سایت تیوال یا به صورت حضوری به گیشه تالار ناصرخسرو واقع در خیابان انقلاب، ابتدای خیابان شانزده آذر، جنب تالار مولوی، ساختمان فرهنگی مراجعه کنند.

دریازدگی

نمایش «دریازدگی» که در فهرست نامزدهای دریافت جایزه بهترین نمایش‌نامه و بهترین بازیگر زن جشنواره تئاتر فجر حضور داشت، از ۱۲ بهمن در تئاتر باران به صحنه می‌رود. «دریازدگی» عنوان نمایشی است که از ۱۲ بهمن ماه ساعت ۱۷ در سالن تئاتر باران روی صحنه می‌رود و کارگردانی این اثر را مسعود بیگلری و سیدمحمدرضا مرتضوی بر عهده دارند. سیدرهام عسگرپور، مهناز میرزایی، ریحانه یزدان‌یار و هستی بحری در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند.

«دریازدگی» که در سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روی صحنه رفت، مورد استقبال وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز قرار گرفت. سیدعباس صالحی پس از تماشای این نمایش در توییتی تصریح کرد: تئاتر دریازدگی را دیدم، کاری از جوانان خلاق کرج، با مضمون خانواده، عشق و زمان. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: تو هر دنیایی به سری معامله صورت میگیره مثلا اینجا عشق ازمون میگیرن و عمرو بهمون میفروشن... دریازدگی، شرح نقش عشق در زندگی آدم‌هاست.

فرانک آرتا: نیکی کریمی با تهیه‌کنندگی فیلم «آذر» به‌طور رسمی وارد این حرفه شد، چراکه پیش از این روی فیلم‌های خود سرمایه‌گذاری می‌کرد یا تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشت، اما کریمی در مقام تهیه‌کننده فیلم «آذر» به کارگردانی محمد حمزه‌ای وارد مسیری شد که چندان راحت نیست.
این حرفه از سینما، تاکنون در ایران از سوی مردان هدایت می‌شده و طبعا فضا برای ورود یک تهیه‌کننده زن چندان راحت نیست. ناهمواری راه زمانی بیشتر به چشم می‌آید که هنگام دریافت کمک‌های مالی یا وام، اختصاص‌یافتن زمان مناسب برای اکران فیلم و... یک تهیه‌کننده خارج از فضای عرف مردانه پشت خط قرار بگیرد. گذشته از آن «آذر» حواشی‌ای هم داشت که کمی تلخ به نظر می‌رسید. با فرونشستن هیجانات و اظهارات درباره این فیلم، به سراغ نیکی کریمی، بازیگر و تهیه‌کننده و سعید پاکستانی، جانشین تهیه‌کننده «آذر» رفتیم و درباره فیلم و حاشیه‌های پیرامونش گفت‌وگو کردیم.

گفت‌وگو با نیکی کریمی، بازیگر و تهیه‌کننده فیلم «آذر»

دوست دارم با جوانان با استعداد کار کنم

عکس: امیر جدیدی

چه شد که فیلم «آذر» را تهیه کردید؟

می‌خواستم فیلمی با محوریت مسائل زنان تهیه کنم با فیلم‌سازی که می‌خواهد وارد سینما شود. در چند جشنواره داخلی و خارجی داور بودم و می‌دیدم که چقدر فیلم‌سازان جوان با انرژی و خلاقیت کار می‌کنند. واقعیت این است که الان با تجربه‌ای که در یک سال گذشته کسب کرده‌ام، متوجه شدم که این قضیه خیلی مهم است که یک کارگردان با چه بضاعتی می‌خواهد فیلم اول خود را شروع کند. سینما و فیلم‌سازی کار سختی است و به‌راحتی نمی‌توان برای هر موردی ریسک کرد.

منظورتان این است گذشته و چگونگی فعالیت کارگردان فیلم اولی نقش مهمی بازی می‌کند؟

کاملا. شما وقتی فیلمی خوب می‌بینید، متوجه می‌شوید که چقدر دانش، سطح آگاهی و حتی نحوه زندگی فیلم‌سازش بر اتمسفر و فضای فیلم تاثیر می‌گذارد.

شما کارگردانی را با فیلم مستند «داشتن و نداشتن» شروع کردید و همین‌طور پیش رفتید تا امروز که بعد از ساخت چندین فیلم، تهیه‌کنندگی حرفه‌ای در سینما را تجربه کرده‌اید. واقعیت این است اگر از منظر حقوق زنان و مطالباتی که زنان در جامعه ما دارند، کارهای شما را بررسی کنیم، به شکل بطئی و مستمر به مسائل و مشکلات زنان پرداخته‌اید و درعین‌حال خود را به‌عنوان «فمینیست» مطرح نمی‌کردید. به عبارت دقیق بیشتر نگاهی صلح‌آمیز داشته‌اید، اما در فیلم «آذر» مطالبات شما شکل صریح‌تری به خود گرفته. به این معنا که اگر در فیلم «شیفت شب» شخصیت اصلی زن فیلم دست‌آخر با آغوش باز همسرش را می‌پذیرد، در «آذر» دیگر تن به شرایط موجود نمی‌دهد و طغیان می‌کند. چرا به این نقطه رسیده‌اید؟

به نکته دقیقی اشاره کردید. من اتفاقا می‌خواستم یک فیلم فمینیستی تهیه کنم. به نظرم داستان «آذر» این پتانسیل را داشت. این‌دفعه این زن دیگر طغیان کرده است. تصمیم من این بود که فیلمی درباره زنی تهیه کنم که به دنبال هویت و شخصیت مستقل خود است، ولی سنت‌های نادرست جلوی او را می‌گیرند.

برای من مهم است که بدانم در این مسیر از نظر انگیزشی چه تجربیاتی کسب کرده‌اید تا به این دیدگاه رسیدید؟

خب هر آدمی در مسیر زندگی خود، خیلی از مسائل را در جامعه و پیرامون خود می‌بیند. در کنار مشاهدات، سفررفتن، کتاب‌خواندن، فیلم‌دیدن، اخبار را پیگیری‌کردن و ... من را به سمت فیلمی که می‌خواهم کار کنم می‌کشاند.

البته گفته می‌شود در این جامعه زن قوی‌بودن، چندان آسان نیست. بااین‌حال چگونه این مسیر را در سینما ادامه می‌دهید که کسی پشتوانه شما نیست؟

یاد گرفته‌ام مبارزه کنم، اما مبارزه‌کردن، معنای فریادزدن و غرزدن را نمی‌دهد. هرجا که مورد حمله واقع شدم، فهمیدم که راه را درست رفته‌ام. بنابراین ادامه می‌دهم.

مسیری را که پیموده‌اید، به نظر من به‌گونه‌ای بوده که آگاهانه پیموده‌اید؛ اما جالب است در فیلم «آذر» یاد بازی‌تان در فیلم «سارا» افتادم. در فیلم «سارا» زن تلاش می‌کند با هر سختی زندگی خود را حفظ کند؛ اما در نهایت سارا آزرده از بی‌رحمی شوهرش ناگزیر خانه او را ترک می‌کند. «آذر» هم چنین فرجامی دارد. چرا؟

چند وقت پیش من، کامبوزیا پرتوی، یک روان‌شناس و یک جامعه‌شناس در یکی از روزنامه‌ها راجع به بازیگری و نقش‌های زنان در سینمای ایران نشستی برگزار کردیم. در آخر آن جلسه به این نتیجه رسیدیم که هرچه از ساخت فیلم‌هایی مثل «باشو غریبه کوچک»، «هامون»، «سارا»، و «پری» می‌گذرد نقش‌های زنان ایرانی ضعیف‌تر می‌شود!

اتفاقا سؤال من این است که چرا؟

نمی‌دانم واقعا! این باید مطالعه شود که چرا زمانی زنان در فیلم‌های ما قهرمان بودند؛ اما الان شخصیت‌های فیلم‌نامه‌ها همین‌طور ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند. به نظر می‌رسد جامعه عادت کرده این سال‌ها با سیمای زنان ضعیف ارتباط برقرار کند!

و بااین‌حال شما فیلم «آذر» را تهیه کردید. زنی که در این جامعه مردسالار جلوی زور می‌ایستد.

به «آذر» اعتقاد داشتم و آن را باور کرده بودم و برایم مهم بود که این قصه گفته شود تا زنانی که آن را می‌بینند، بخشی از وجود خود را روی پرده سینما ببینند؛ چون شخصیت آذر در زندگی کوتاه نمی‌آید و لزومی هم نمی‌بیند که در انتها در آن زندگی بماند.

گفت‌وگو با سعید پاکستانی، جانشین تهیه‌کننده فیلم «آذر»

حواشی «آذر»

و رفتند و رفتارها بسیار دوستانه بود.

آقای آذرنگ انتخاب اول شما بود؟

برای آن نقش کاندیداهای دیگری هم مطرح بودند. ایشان جزء گزینه‌های آخر بودند. دوستانی که آمده بودند به دلایل مختلفی مانند درگیربودن در پروژه‌های دیگر و ... نتوانستند وارد پروژه شوند. آقای آذرنگ جزء آخرین‌هایی بودند که آمدند، ولی ایشان پرانرژی بودند و با نقش هم ارتباط برقرار کردند و نقش را دوست داشتند و علاقه داشتند کار کنند.

پس مشکلی هنگام فیلم‌برداری به وجود نیامد؟

به‌هیچ‌وجه. همه‌چیز خوب بود و همه با انرژی مثبت کار می‌کردند.

پس مشکل از کجا پیش آمد؟

واقعا نمی‌دانم! چون خانم کریمی از آن دسته تهیه‌کننده‌هاست که حواسش به همه هست و اتفاقا چون بازیگر است به همه رسیدگی می‌کرد، اما ایشان به نظر من خیلی غیرحرفه‌ای عمل کرد؛ نمایش جشنواره را نیامد و وارد فاز تبلیغات هم که شدیم، من از خردادماه با ایشان حداقل پنج یا شش‌بار تماس گرفتم و برای عکاسی با ایشان قرار گذاشتم. منتها هربار خلف‌وعده کردند و نیامدند. حتی پیامک‌های آن موجود است. بعد هم هنگام افتتاحیه فیلم من خودم کارت دعوت برای ایشان فرستادم که نیامد. برای همه ما بسیار عجیب بود که گفت در تبلیغات فیلم جایی ندارم. به نظر من همه اینها جهت‌دار بود.

منظور آقای آذرنگ از اینکه «من در تبلیغات فیلم جایی ندارم» چه بود؟

نمی‌دانم! شما سردر سینماها را دیدید؟ هم آقای آذرنگ هستند و هم آقای سیدی و هم خانم کریمی. در تیزر و آنونس هم همین‌طور. در ۸۰ درصد پوسترهای تبلیغاتی عکس ایشان هست. فقط در پوسترها و بیلبوردهایی نیستند که نظر اسپانسر اعمال شده. یعنی اسپانسر خواسته بود فقط عکس خانم کریمی باشد. آنها هم برای خودشان دغدغه‌هایی دارند.

مشکلات بعد از فیلم‌برداری به وجود آمد. علت آن چه بود؟

دلیل اصلی این بود که کارگردان مسائل فیلم را بعد از فیلم‌برداری رها کرد. تا زمانی‌که من بودم، ایشان می‌آمد و خواهش می‌کرد فیلم اولش را بسازد. مجوز کارگردانی نداشت و خانم کریمی برایش گرفت و قول داد با همه وجود و با مسئولیت فیلم را بسازد. اما برایش زود بود. خانم کریمی شخصا تمام مراحل تدوین، صداگذاری، لابراتوار و... را دنبال کرد. درحالی‌که وظیفه کارگردان است. نه سر تدوین می‌رفت و نه صدا. یادم می‌آید آقای آبنار، صدابردار محترم فیلم قبل از جشنواره برای صداگذاری به ایشان زنگ می‌زدند و نمی‌آمد. آقای همایون‌فر هم بسیار شاکی بود که کارگردانی به این بی‌مسئولیتی ندیده. بار همه مسئولیت‌ها افتاده بود روی دوش خانم کریمی. به نظرم ساخت فیلم برای ایشان در این ابعاد خیلی زود بود. بارها به دلیل اینکه ایشان نمی‌دانست چه می‌خواهد بگیرد معطل شدیم و صحنه‌های زیادی را دوباره فیلم‌برداری کردیم که می‌دانید برای تهیه‌کننده چقدر هزینه دارد. اجاره دوباره لوکیشن و هزینه عوامل و بازیگران و...

در کارگردانی به طور متوسط صحنه‌های غیرقابل استفاده چقدر بود؟

مثلا صحنه قتل کلا چیز دیگری فیلم‌برداری شد. آقای خرقه‌پوش، تدوینگر فیلم تماس گرفتند و گفتند صحنه در نیامده و باید دوباره فیلم‌برداری شود.

هزینه زیادی متحمل شدید؟

بله. برای تهیه‌کننده این تکرار واقعا سخت است. معمولا کسی زیر بار نمی‌رود و می‌گویند همین است که هست. اما خانم کریمی می‌گفت باشد، بگیریم. می‌خواهم کار خوب شود. تازه برخی از روزها کارگردان نمی‌دانست چه می‌گیرد. از قبل دکوپاژ نداشت. حتی در روزهایی آمادگی کار نداشت. درحالی‌که عوامل فیلم همه حرفه‌ای و درجه یک بودند. همان‌طور که گفتم برایش زود بود. هم زمان فیلم‌برداری، حرفه‌ای عمل نکرد و هم الان در زمان اکران و واقعا رفتار ایشان به فیلم لطمه زد.

عکس: امیر جدیدی

حتی این غرور را دارد که وقتی مادرشوهرش می‌گوید تو برای این زندگی خیلی زحمت کشیده‌ای و این پول حق توست، قبول نمی‌کند. می‌دانید که در جامعه مادی این روزها زنان زیادی قربانی می‌شوند؛ چون از لحاظ مالی وابسته‌اند و روی پای خودشان نیستند؛ اما در «آذر» دلم می‌خواست درباره یک زن قوی فیلم بسازم. این ریسک را کردم و او شبیه شمایلی که این روزها مد شده، نیست.

بااین‌حال فکر می‌کنید که سینمای ایران به شما به‌عنوان تهیه‌کننده این فرصت را بدهد تا باز هم بتوانید از این نوع فیلم‌ها بسازید. اینکه در بخش خصوصی نه در بخش دولتی چنین فیلم‌هایی بسازید، امکان بازگشت سرمایه را خواهید داشت؟ فکر می‌کنید که بتوانید دوباره ادامه دهید؟ چون در سینمای ایران فیلم‌سازانی مانند تقوایی، امیر نادری و بیضایی این مسیر را پیموده‌اند که یا کوچیدند یا محکوم به سکوت شدند!

درحال‌حاضر در سال جاری با ماجراهایی که برای پخش و اکران پیش آمده؛ مثل «فیلم‌سوزی» قضیه کمی پیچیده است. دولت هم سروکاری با این قضیه ندارد. پخش‌کننده است که انتخاب می‌کند و سینماها، شورای صنفی، این مداخله‌ها و تمام اتفاقاتی که می‌افتد؛ نه‌تنها من؛ بلکه همه بچه‌ها داریم بازنگری می‌کنیم که چه فیلمی باید بسازیم تا بتوانیم ادامه بدهیم. این موضوع برای بخش خصوصی، مثل من، که به جایی وابسته نیستند، واقعا سخت است.

شما هم به مبحث «فیلم‌سوزی» اعتراض دارید؟

نه‌تنها من بلکه همه ما به این حالتی که به آن «فیلم‌سوزی» می‌گویند، معترضیم. نزدیک به ۹۰ سالن از قبل از سوی برخی افراد و فیلم‌های‌شان قبضه شده! به من و امثال من فقط ۱۵ سالن می‌دهند.

اصلا تعریف شما از تهیه‌کنندگی چیست؟ چگونه در این مسیر با جوانان و ایده‌های نو آنها کنار خواهید آمد؟

قطعا با بچه‌هایی که بااستعداد هستند، دانش و شخصیت دارند، علاقه دارم کار کنم؛ چون شخصیت کارگردان خیلی مهم است. قطعا از چنین افرادی حمایت می‌کنم. در این سال‌ها با جوانانی برخورد کرده‌ام که به من فیلم‌نامه داده‌اند و کارشان را دوست دارند و انگیزه دارند. دوست دارم با جوان بااستعداد کار کنم.

خانم بهناز شفیعی، مربی موتورسواری فیلم «آذر»، در جایی اظهار کرده بود که دستمزد او را پرداخت نکرده‌اید. آیا درست است؟

از روز نخست ایشان برای تعلیم موتورسواری به فیلم پیوستند و خانم کریمی همواره از ایشان حمایت می‌کردند و همه‌چیز به خوبی و خوشی گذشت. به محض پایان کار، دستمزد ایشان پرداخت شد و اسنادش هم موجود است. من و خانم کریمی و مدیر تولید فیلم از صحبت‌های غیرواقعی ایشان واقعا متأسف شدیم. منتها خانم کریمی نمی‌خواستند این صحبت‌ها منعکس شود، اما بعدا که هجمه‌هایی صورت گرفت، من مجبور شدم جواب بدهم. ناچارم بگویم که همه آن اتفاقات جهت‌دار بوده و می‌خواستند موجی راه بیفتد. شاید می‌خواستند خودشان را مطرح کنند. ایشان آن چیزها را که در مصاحبه خود مطرح کرده بودند، تراوشات ذهنی خودشان بوده؛ به‌عنوان‌مثال ایشان گفته بودند من را به جشنواره فجر دعوت نکردند که چنین چیزی اصلا دست ما نیست.

به نظر شما یک مربی که موتورسواری یاد داده، اصلا می‌تواند در فیلمی مدعی باشد که در جشنواره دعوتش کنند؟

اتفاقا سؤال من هم همین است. ایشان ناراحت بود که چرا من را دعوت نکردید، درحالی‌که به‌لحاظ حرفه‌ای در فیلم کاری نکرده بود؛ یعنی جزء عوامل حرفه‌ای سینما نیستند. در جشنواره فجر معمولا هفت، هشت نفر از بازیگران و عوامل حرفه‌ای؛ مثل فیلم‌بردار، صدابردار و ... را دعوت می‌کنند، اما تحلیل ایشان در ذهن خودشان این بود که باید در جشنواره دعوت می‌شدند!

چرا بعد از طرح این مسائل، بلافاصله خانم کریمی پاسخ ایشان را نداد؟

چون خانم کریمی حرفه‌ای رفتار کردند و به دنبال حواشی نبوده و نیستند. ایشان معتقد هستند که سوابق من روشن است ضمن اینکه نباید به حواشی توجه کرد.

اعتراض حمیدرضا آذرنگ را چگونه تحلیل می‌کنید؟

ایشان مصاحبه‌ای کردند که همه بچه‌های پروژه شوکه شدند. همه شاهد بودند که از روزی که ایشان سر کار وارد شدند، بسیار پرانرژی وارد شدند و اتفاقا هم خانم کریمی با مهر و لطف با ایشان رفتار کرده بودند و ایشان هم کارشان را انجام دادند

زیر آسمان فیروزه‌ای

در مراسم اهدای جایزه ونشان ابوالحسن نجفی
او عاشق زبان و ادبیات فارسی بود

● دبیر جایزه ابوالحسن نجفی با بیان ویژگی‌های شخصیتی نجفی می‌گوید: نجفی مترجم دقیق، نجیب و باپشتکاری بود که عاشق زبان و ادبیات فارسی بود. به گزارش ایسنا، مراسم پایانی دومین دوره جایزه ابوالحسن نجفی عصر روز سه‌شنبه (دهم بهمن‌ماه) در شهر کتاب برگزار شد و در ابتدای این مراسم علی‌اصغر محمدخانی، دبیر جایزه ابوالحسن نجفی در سخنانی اظهار کرد: نجفی مترجم، پژوهشگر، روان‌شناس و کاشف استعدادهای ادبی بود. او حق بزرگی بر ادبیات و زبان فارسی دارد. مترجم، فرهنگ‌نگار و پژوهشگر سه بعد شخصیتی نجفی هستند. حوصله و پشتکار بی‌مانند نجفی او را به شخصیتی برجسته تبدیل کرده است؛ او علاوه بر ترجمه و پژوهش، در ادبیات تطبیقی نیز صاحب‌نظر بود. او بیان کرد: کسانی که با نجفی مأنوس بودند گواهی می‌دهند که او استادی دقیق، نجیب و پرکار بود که به زبان و ادبیات فارسی عشق واقعی داشت. زندگی او با آثار برجسته‌ای که منتشر کرده است، زندگی سرشار و جان‌داری به شمار می‌آید که ثمره فرهنگی بسیاری داشت. محمدخانی با بیان اینکه جای خالی نجفی در این دو سال برای اهالی فرهنگ محسوس بوده است، گفت: کمتر کسی در تاریخ فرهنگ و ادبیات ما وجود دارد که همه او را قبول داشته باشند. این در حالی است که همه داعیه‌داران عصر، نجفی را تأیید می‌کردند. او درباره دومین دوره جایزه «ابوالحسن نجفی» اظهار کرد: امسال بعد از اعلام فراخوان حدود صد اثر از سوی ناشران و مترجمان به دبیرخانه این جایزه رسید که ۶۳ عنوان در حوزه ادبیات انگلیسی، ۱۳ عنوان ادبیات فرانسه، سه اثر آلمانی، چهار اثر روسی، سه اثر عربی، چهار اثر ترکی و زبان‌های اسپانیایی، چینی و آلبانی هر کدام یک عنوان بود. ضیاء موحد، حسین معصومی‌همدانی، مژده دقیقی و عبدالله کوثری هیئت داوران این جایزه را تشکیل داده‌اند که بعد از بررسی‌های خود شش کتاب به مرحله نهایی رسید که از میان آنها کتاب «مارش رادتسکی» نوشته یوزف روت با ترجمه محمد همتی برگزیده جایزه اعلام شد. محمدخانی خاطرنشان کرد: آثار هیئت داوران در حوزه داوری بررسی نمی‌شود وگرنه این داوران مترجمان برجسته‌ای هستند. بنای این جایزه بر این است که به مترجمان جوان‌تر توجه و استعدادهای جدید را کشف کند وگرنه داوران از صاحب‌نظران برجسته هستند و بین مردم شناخته شده‌اند. از سال آینده قرار بر این است که کارنامه یک مترجم نیز مورد تقدیر قرار گیرد. معاون فرهنگی مؤسسه شهر کتاب، با اشاره به افزایش کپی از ترجمه‌های دیگران گفت: اگر ترجمه‌ها مورد نقد و بررسی قرار گیرند، آثار ضعیف تولید نمی‌شود چون ترجمه‌ها مورد نقد قرار نمی‌گیرند، آثار ضعیف به کارشان ادامه می‌دهند و ترجمه‌های خوب در میان ترجمه‌های ضعیف کمتر دیده می‌شوند. به گزارش ایسنا، در ادامه مراسم ضیاء موحد - شاعر پیش‌کسوت- با تشکر و تبریک به برنده جایزه «ابوالحسن نجفی»، گفت: ارزش اهل فرهنگ در سهمی است که در پیشبرد آن داشته‌اند از این نظر نجفی کم‌نظیر و در پاره‌ای بی‌نظیر بود. او در ادامه اظهار کرد: محمد قاضی ترجمه‌های نجفی را گل سرسبد ترجمه داستان از زبان فرانسوی به زبان فارسی دانسته است. سلیقه او در انتخاب داستان چه از نویسندگان فرانسوی و چه از نویسندگان ایرانی که در نشریه‌های معتبر ایران منتشر می‌کرد، بی‌نظیر است. همچنین توجه نجفی به داستان‌نویسان جوان از ویژگی‌های این مترجم بوده است. او همیشه در جست‌وجوی نویسندگان با استعداد و آشنا‌شدن و راهنمایی آنها بود. گاهی تأسف می‌خورد که با نویسنده‌ای آشنا نشده است تا کمبودهایش را با او در میان بگذارد. سپس حسین معصومی‌همدانی درباره رمان برگزیده دومین دوره جایزه «ابوالحسن نجفی» اظهار کرد: بسیار خوشحالم در مراسم اهدای این جایزه شرکت می‌کنم. انتخاب داوران را می‌ستایم و گمان می‌کنم که اگر نجفی در اینجا حضور داشت این انتخاب با ستایش او همراه می‌شد. زمانی که کتاب «مارش رادتسکی» را می‌خواندم مدام این شعر فروغ فرخزاد به یادم می‌آمد: «مردم محله کشتارگاه/ که خاک باغچه‌هاشان خونی است/ و آب حوض شان هم خونی است/ و تخت کفش‌هایشان هم خونی است/ چرا کاری نمی‌کنند/ چرا کاری نمی‌کنند». این کتاب درباره امپراتوری اتریش است و داستان در محیط پادگان می‌گذرد؛ جایی که آدم‌ها برای کشتن تربیت می‌شوند. اما در سراسر این کتاب حرفی از خون‌ریزی به میان نیامده است. علی عبداللهی -مترجم- درباره ترجمه کتاب «مارش رادتسکی» اظهار کرد: باید بدون تعارف بگویم این ترجمه حادثه‌ای در زبان فارسی است. قبلا نیز آثاری از روت به زبان فارسی ترجمه شده است، اما «مارش رادتسکی» از بهترین آثار ادبیات اتریش به شمار می‌رود که تأثیر بسیاری در شکل‌گیری رمان مدرن داشت و دامنه آن به یوسا می‌رسد.

بعد از اهدای جایزه و نشان ابوالحسن نجفی به محمد همتی، این مترجم گفت: من نمی‌توانم ذوق‌زدگی خود را از دریافت این جایزه پنهان کنم و به قدری خودشیفته نیستم که فکر کنم این اثر، اثر بی‌عیبی بوده است. آنچه مرا به ترجمه علاقه کرد، دلباختگی به فرهنگ ایرانی بود. کار ترجمه کار جانفرسایی است و حضور در مرحله نهایی جایزه ابوالحسن نجفی کار مترجم را سخت‌تر خواهد کرد.